

این طرز فکر اشتباه است!

مسئولین فرهنگ توجه کنند

« امروز با این مشکل بزرگ روبرو هستیم که سطح معلومات دانش‌آموزان و تحصیل کرده های ایران بطرز اسف آوری تنزل یافته ... این مسأله از غایت وضوح نیازی به بیج استدلال ندارد ...

ما در دبیرستانها بشاگردانی برمیخوریم که هنوز چهار عمل اصلی حساب رانی دانند؛ و بی اغراق از نوشتن نام خود عاجزند؛ در آخرین سالهای دبستان نو آموزشی هستند که هنوز حروف البقار را تشخیص نمی‌دهند؛ دانشگاههای ما از بیما یکی داوطلبان ورود بدانسگاه گناه دارند، و معلومات اکثریت لیسانسیه‌های دانشکده‌ها نیز مورد رضایت صاحب نظران نیست؛ ...

امروز اکثر وقت کودکان و جوانان ب تفریح و معاشرت و سرگرمیهای غیردردسی میگذرد. . . وقت آنست که باین دود بزرگ فرهنگی بیاندیشیم و همه افراد مؤثر در صد چهاره کار بر آیند؛

(گوشه ای از « پیام وزیر فرهنگ » به دانش‌آموزان - خانواده‌ها - معلمان) .

این اعترافات صریح و تلخ، آنهم از ناحیه يك مقام رسمی و مؤثر فرهنگ، در عین اینکه هر فرد ایرانی را بشدت متأثر و ناراحت میکند چون می بینند وضع فرهنگ اوبقدری تنزل کرده که در آستانه ورشکستگی قرار گرفته و داد و ستد بر سوا می میزند، از يك نظر هم امیدوار کننده و مایه مسرت است؛ زیرا حکایت از این میکند که اولیاء فرهنگ، بسر

خلاف گذشته، بجای اینکه بخواهند خرابی اوضاع را بایک مشت الفاظ توخالی و بی سروته ماست مالی کنند، راستی حاضر شده اند در برابر حقایق موجود، هر قدر تلخ و ناگوار باشد، تسلیم شوند و بفکر چاره ای میافتنند.

ما امید داریم حالا که با این شهامت و صراحت شایان تحسین بوخامت وضع فرهنگ و تنزل سطح معلومات فرزندان و جوانان ما اعتراف کرده اند مردانه وارد میدان عمل شده و برای حل این مشکل بزرگ اجتماعی قدمهای سریع و مؤثری بردارند. ما از خداوند بزرگ موفقیت کامل تمام کسانی که بر راستی برای حل این مشکل فعالیت و تلاش میکنند خواهانیم.



امانگته ای که بسیار مورد بود اولیاء محترم فرهنگ بآن توجه میکردند و در این پیام میگنجا نیدند مسأله انحطاط اخلاق جوانان ماست که بدرجات از موضوع تنزل سطح معلومات خطرناکتر و اسف انگیزتر است!

آیا اشاره نکردن باین «مشکل اخلاقی» که درد بزرگتری برای اجتماع ما محسوب میشود دلیل بر این است که اولیاء فرهنگ هنوز بآن معترف نیستند یا آنرا قبول دارند و خود را مسئول اصلاح اخلاق نواخته تگکان و جوانان نمیدانند یعنی دایره مسئولیت خود را منحصر به همان ترقی دادن سطح معلومات آنها میدانند و بس؟! هر کدام از این دو باشد راستی مایه تعجب است.

خطری که امروز از ناحیه تزلزل ایمان جوانان و «فقر اخلاقی و معنوی» نسل جوان، اجتماع ما را تهدید میکند از خطری که «فقر علمی» تولید میکند به مراتب بیشتر است، تصور میکنیم اینهم از جمله حقایقی است که باید صریحاً گفت: «قولی است که جملگی بر آنند». همانطور که جای تردید نیست که تربیت و پرورش کودکان و جوانان از نظر اخلاقی در دورانی که بمدرسه میروند از وظائف حتمی و مسلم فرهنگ است. حالا چرا آقایان باین موضوع توجه کافی نکرده اند و برنامه صریح و قاطعی برای مبارزه با فساد اخلاق جوانان بلکه کودکان پیشنهاد نکرده اند، و این موضوع حساس و حیاتی را تقریباً بیست فراموشی سپرده اند؛ برای ما درشن نیست ولی هر چه باشد مایه کمال تأسف و تأثر است.

آقایان! اگر جوانان ما کوه علم و دانش شوند تا ایمان و تروی و اخلاق نداشته باشند و آراسته یک سلسله فضائل اخلاقی نباشند گرهی را برای این اجتماع مفلوک نخواهند گشود، و بقول آن شاعر دزدی را میمانند که با چراغ آید و کالاهای گزیده تری بر باید،

چنین افرادی نه تنها خدمتگزار این آب و خاک نخواهند شد بلکه فاجعه‌ای برای این مملکت و این اجتماع بشمار خواهند آمد.

بنابراین خوب است اولیاء فرهنگ حالا که سخن از اصلاحات اساسی فرهنگ بمیان آورده‌اند يك فکر اساسی برای مبارزه بامناسد اخلاقی کودکان و جوانان بکنند. این کار مانند همه کارها برنامه می‌خواهد، فکر و نقشه لازم دارد، بطور مسلم قبل از هر چیز باید روی « برنامه‌های دینی » مطالعه کنند، ترتیبی اتخاذ شود که ایمان بخدا وارد دل جوانان کاملاً رسوخ دهند و آنها را بمق دستوره‌ای عالی اسلامی آشنا سازند، خوشبختانه دستوره‌ای اسلامی در مورد مسائل اخلاقی و اجتماعی بقدری وسیع و عالی ومؤثر است که بسیاری از مشکلات کار خود بقود حل میشود.

باید تمام جوانان را متوجه اهمیت این برنامه‌ها کنند، تعلیمات دینی را از صورتهای خشک و خسته کننده بیرون آورند، بصورتهای جالب و زنده و نشاط آور و دلپسند بمعاملین عرضه دارند.

بدبختانه شنیده میشود دستهایی در کار است که نه تنها باین موضوع حیاتی اهمیت داده نشود بلکه وضع برنامه‌های دینی مدارس را از سابق هم بی ارزش تر کنند! اگر چنین باشد این عمل نه تنها خیانت بزرگی بدخاتر انسانی این کشور یعنی نسل جوان و در نتیجه خیانتی باین آب و خاک خواهد بود، بلکه موجب میشود که مردم مسلمان این کشور که علاقه و پیوند معنوی خاصی با مذهب خود دارند نسبت بفرهنگ بدین شوند و بادیده تنفر بآن نگاه کنند و آنها را يك عامل خارجی و بیگانه تصور کنند.

اولیاء محترم فرهنگ باید نسبت باین مسائل حیاتی؛ مخصوصاً با توجه باینکه مردم حساسیت خاصی روی آنها دارند، توجه داشته باشند، اینرا هم باید بدانند که تنظیم برنامه‌های دینی بدون مشورت با روحانیین دانشمند و روشن وبدون تماس با حوزه‌های علمی دینی کار صحیح و درستی نیست.

در کشور «سوئیس» که از متدین ترین کشورهای دنیا محسوب میشود و وضع اخلاقی مردم آن کشور درد دنیا ضرب المثل است توجه خاصی نسبت بموضوع برنامه‌های تعلیمات دینی میشود و بطور قطع قسمت قابل توجهی از سلامت نفس و حسن اخلاق مردم آنجا مرهون همین موضوع است. اتفاقاً در یکی از نشریات اداره کُل آموزش وزارت فرهنگ در مقاله‌ای که در باره وضع تعلیمات در کشور سوئیس نگاشته شده بود باین

موضوع اشاره کرده بودند .

بار دیگر تأکید میکنم که سواد و علم بدون اخلاق و فضیلت نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه خطرناک هم هست و یک فرد با ایمان و درستکار و با تقوی اگر چه بیسواد باشد ممکن است برای اجتماع خود مفید واقع شود در حالی که یک فرد تحصیل کرده فاسد الاخلاق بطور مسلم مضر بحال اجتماع خواهد بود .

این طرز فکر اشتباه است که اولیاء فرهنگ تصور کنند تنها با عملی ساختن یک برنامه انقلابی در امور تحصیلی رسالت خود را در موقعیت کنونی انجام داده‌اند، بطور مسلم مردم آنقدر که از توسعه فساد اخلاق در میان جوانان خود در عذابند و رنج می‌برند از باین بودن سطح معلومات آنها تا این حد در فشار و ناراحتی و عذاب نیستند، درست است هر دو باعث بدبختی است، اما این کجا و آن کجا ؟

بنابراین؛ انقلاب یک جانبه در وضع فرهنگ کنونی دردی را دوا نمیکند و برای اصلاح فرهنگ کافی نیست بلکه این امر محتاج یک انقلاب همه جانبه است که نتیجه آن تربیت یک عده جوانان دانشمند و درستکار و با ایمان و با فضیلت باشد .

دلسوز های ملت !

هر ساله در موسم حج که مردم مسلمان خود را آماده انجام این «وظیفه بزرگ مذهبی» میکنند فریاد های اعتراض آمیز جمعی از دل سوختگان ملت ؛ و دایه های مهربانتر از مادر ؛ بلند میشود و برای لطمه عظیمی که از این ناحیه متوجه بیت المال کشور میشود نوحه سرائی میکنند . . . پاسخ مستدل همه این دلسوزها و نوحه سرائیها را «یکجا» در شماره آینده خواهید خواند .